

درایت مبدل نگشته همه لذات را در تمنعات
صحت بخورد و در همه راجات را بر شمعوات
بوی معطر بخورد ایم حیات را سر مایه استغفار
مناسبتی داند و جمال او قالا بر این استقصا و غلبه
کردند و آخر الامر از لطفات ربابین لطفه جمال بزرگ
نا دیده و از رشحات اقداح قرب و وصال صبر
عاشید بر لب لقبی شتر در دیده آب چشم
دل ز فیه محبت بر سینده و انغ حشره در دیده آ
هرمان راه عدم بر گرفته مازنان از کار رفته زبان
حالش ان عرفم آغاز و در این تیرانه بر دراز دست
افسوس که وقت کار از دست بر رفت **بهاست سوال**
یا راز دست بر رفت **در معرض کبد و لیت تا با بند**
صد و دولت باید از دست بر رفت **از جرم اصل**
ز چشم بدیم در ریغ **وز کلمه انی رخت کشیدم**
در ریغ **از راجت فانی بریدیم بید **با و دولت فانی****

باقی نرسیدیم در ریغ جایی آن دار و در خاک کینه
از جرم آن غم دیده ناله است با فدا ک برسانند
و افلا کیانم از خذلان آن مایه رسیده بر تنانند
و محبت بر خانی خشت **ریحی** آنرا از زلفت بقول
فرساید **وز نوبی ز من خون جگر بالاید **که کوه زور****
او باله ز میاید **وز سنک چال او بگرید **ریحی** هرگز**
کز طایع و از زون **کرید **وز زلفت آن دلبر و زون **کرید******
با کوه **کراند و دل خود گوید **هر چشمی نو چشمی **تر و کوه******
کرید **آئی هر چه در دل ما گذشت **بر زبان ما گذشت **که******
چه در جیب صادق و نواب است **منعجی انعام **و غیره کشف****
والله است ما را بر ادای **شکران **دستی **ه اگر اعدا******
کذب و وفاداری **از قصور **را بلایت **و نقصان******
نا قابلیت ما است **بر ما بخش **بسی **وز عفو **ان و منصف******
ریحی فیکر **که ز نوبت **موجب **شکر **و نجات **کار **که********
ز ناست مایه **خبرم **خطاست **بجز **خیر **و کمال **است **بجا **که **تو************************

Copyrighting University